

# تخریب و مبارزات منفی در انتخابات ریاست جمهوری ایران؛ علل و زمینه‌ها

محمد بابایی\*

ساسان مرادی\*\*

علی اصغر قاسمی\*\*\*

## چکیده

هدف این مقاله، شناخت دلایل سیاسی-اجتماعی و حقوقی پدیده تخریب و مبارزه منفی در انتخابات ریاست جمهوری ایران است. افزایش کم سابقه

---

\* (نویسنده مسئول) استادیار علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران  
(Mohammadbabaee@Khu.ac.ir)

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران  
(sasan.mor93@gmail.com)

\*\*\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران  
(ghasemi\_aliasghar@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۳

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره نخست، زمستان ۱۳۹۷، صص ۳۵-۶۲

مبارزات منفی در انتخابات چند دوره اخیر ریاست جمهوری، از مسائلی است که کمتر با رویکردی علمی مطالعه شده است. پرسش اصلی مقاله این است که «چرا مبارزه منفی در مناظرات و تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ایران در چند دوره اخیر افزایش یافته است؟» مبانی نظری پژوهش، برگرفته از نظریه‌های فرهنگ، خلیات، و روان‌شناسی سیاسی ایرانیان، مبارزات انتخاباتی و همچنین نظریه‌های ساختاری-نهادی است. پژوهش برای بررسی پیشینه و مبانی نظری، از روش اسنادی و برای گردآوری داده‌های میدانی از روش کیفی با استفاده از فن مصاحبه هدفمند و هدایت‌شده بهره گرفته است. برای انتخاب جامعه آماری نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری «شبکه‌ای» با ۱۶ تن از نخبگان سیاسی، شامل استادان علوم سیاسی و برخی نمایندگان احزاب مصاحبه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تلاش برای کاهش اعتبار رقیب، تأثیرگذاری بر رأی‌دهندگان، غلبه فضای هیجانی، ریشه داشتن فرهنگ حذف و تخریب در جامعه، اولویت یافتن منافع گروهی بر منافع ملی، ضعف جامعه مدنی و رفتار مدنی و احزاب، ضعف قوانین بازدارنده و سوگیری نهادهای ناظر و اجرایی انتخابات، از مهم‌ترین دلایل سوق یافتن رقابت‌های انتخاباتی به مبارزات منفی و تخریب هستند.

واژگان کلیدی: انتخابات، مبارزه منفی، تخریب، ریاست جمهوری. نخبگان

سیاسی

## مقدمه

حجم بالای مبارزه منفی، به‌ویژه تخریب، در چند مبارزه انتخاباتی اخیر ریاست‌جمهوری ایران، گاهی زمینه‌ساز بروز خشونت بین رأی‌دهندگان و هواداران نامزدها شده است. گسترش مبارزه منفی، گاهی سبب وارد شدن خدشه به اعتماد عمومی، نظام سیاسی، و نیز اخلاق عمومی می‌شود و پیامد طبیعی آن نیز کاهش میزان مشارکت سیاسی است، و در بزنگاه‌های انتخاباتی ذهن‌ها را از مسائل اصلی (فقر و فساد، بیکاری، کم‌آبی و خشکسالی، و...) به مسائل فرعی، جناحی، و شخصی می‌کشاند و درنهایت نیز با نهادینه‌سازی خود، به بخش دائمی انتخابات تبدیل می‌شود. در چنین وضعیتی، احتمال سازگاری سایر اجزای انتخابات با این پدیده، به‌مثابه کارکردی طبیعی، منتفی نیست.

انتخابات سال ۱۳۸۴ با توجه به حیثیتی شدن پیروزی نامزدها و استفاده هواداران از شیوه‌های نوین مبارزه اینترنتی، از این منظر نقطه عطفی به‌شمار می‌آید. در انتخابات سال ۱۳۸۸، روش‌های منفی و تخریب، فراتر از رفتار انتخاباتی نامزدها و هواداران شیوع یافت و حتی برخی مسئولان انتخابات، آن را دغدغه‌ای برای کشور دانستند. در این بین، به‌ویژه مناظره‌های انتخاباتی، به فضایی از تهمت، تخریب، هیجان، و تسویه‌حساب تبدیل شد که به قطبی شدن بیشتر فضا دامن زد (نیاکوئی، ۱۳۹۳: ۱۸). تداوم مبارزه منفی در انتخابات سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ نشان‌دهنده تبدیل شدن آن به سنتی اعلام‌نشده بود. اکنون با توجه به تعدد انتخابات، این دغدغه جدی است که چه عواملی سبب این حد از مبارزه منفی، به‌ویژه در انتخابات ریاست‌جمهوری، شده است. مقاله حاضر با همین دغدغه درصدد است با موشکافی در علل و زمینه‌های سیاسی-اجتماعی-حقوقی مبارزه منفی و تخریب،

راهکارهایی برای کاهش آن ارائه دهد. با توجه به مرجعیت فکری نخبگان سیاسی در جامعه، این مطالعه از نگاه آن‌ها انجام شده است.

### ۱. پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی مربوط به مبارزه منفی، به لحاظ پیشینه، وجه میدانی و علمی کمتری دارند و بیشتر توصیفی و نظری، تجویزی-تندیزی، یا حقوقی-اخلاقی هستند. کارهایی مانند مطالعه توصیفی-تحلیلی علی ربیعی درباره رقابت و تخریب انتخاباتی دوم خرداد<sup>۱</sup> ۱۳۷۶ در کتاب «جامعه‌شناسی تحولات ارزشی» (ربیعی، ۱۳۸۰)؛ بررسی توصیفی عبدالحمید اشکوری درباره تبلیغات منفی در انتخابات سال ۱۳۸۴ در کتاب «از تخریب تا تقدیس» (اشکوری، ۱۳۹۵)؛ مطالعه نظری/میرنیاکوئی درباره علل مختلف رفتار منفی در انتخابات در مقاله «جامعه‌شناسی منازعات سیاسی در ایران» (نیاکوئی، ۱۳۹۳)؛ بررسی تحلیلی رحمان قهرمانپور از مبارزات انتخاباتی سال ۱۳۹۴ به مثابه یک بازی سیاسی و نه اخلاقی (قهرمانپور، ۱۳۹۴)؛ پژوهش حمید دهقانی درباره رفتارهای انتخاباتی احزاب و گروه‌های سیاسی در کتاب «از کارزارهای انتخاباتی تا رفتارهای انتخاباتی» که تبلیغات منفی را به سبب کارایی اش «ضروری» توصیف می‌کند (دهقانی، ۱۳۹۵)، و نیز آسیب‌شناسی محمدعلی مشفق در کتاب «کندوکاوی آسیب‌شناسانه در نظام انتخابات» (مشفق، ۱۳۹۶) که از نگاه یکی از مجریان انتخاباتی در ایران و به صورت کلی تدوین شده است، در زمره این پژوهش‌ها هستند.

اما در میان مطالعات خارجی می‌توانیم به مطالعه دنیس کاونانگ<sup>۱</sup> درباره مبارزه منفی و تأثیر آن بر انتخابات عمومی انگلیس (کاونانگ، ۱۳۷۹) و مطالعه ریچارد آر. لوی<sup>۲</sup> با عنوان «مبارزات انتخاباتی منفی نامزدهای سنای آمریکا»، اشاره کنیم که هر دو به ریشه‌یابی روی‌آوری نامزدهای انتخاباتی به مبارزه منفی پرداخته‌اند (R. Lau, 2001).

همچنین، پژوهش ریچارد شرر<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) در کتاب «زمینه مبارزات انتخاباتی منفی و کمپین‌های انتخاباتی» که پدیده تخریب و لجن‌مالی رقیب را به لحاظ تاریخی

1. Dennis Kavanagh
2. Richard. R. Lau
3. Richard K. Scher

در جامعه آمریکا مطالعه کرده است و در نهایت دلایل آن را (از جمله بازداشتن مردم از افتادن در ورطه پرمخاطره‌تر) مطرح می‌کند (Scher, 1997):

پژوهش یانگ مین<sup>۱</sup> در مقاله «پوشش اخبار کمپین‌های سیاسی منفی؛ سنجش تأثیرات کمپین منفی در انتخابات و اولویت نامزدها» به نتایج منفی تمرکز نامزدها، به‌ویژه بر مسائل شخصی می‌پردازد (Min, 2004).

فریدکین<sup>۲</sup> نیز در مقاله «آیا پیام‌های منفی عمل می‌کنند؟ تأثیر منفی‌گرایی بر ارزیابی شهروندان از نامزدها»، شرایط تأثیرگذاری پیام‌های منفی انتخابات بر شهروندان را تبیین کرده است (Fridkin, 2004).

تیموتی بی‌کریس و دیوید بیل هولیان<sup>۳</sup> در پژوهش «وضعیت رقابتی، تحریک‌گرایی، و سخنرانی حمله؛ مطالعه مبارزات منفی در انتخابات شهرداری لس‌آنجلس سال ۲۰۰۱» به تأثیر و ساختار سخنرانی‌های تهاجمی نامزدهای اکثریت و اقلیت در شرایط محیطی انتخابات پرداخته‌اند (Holian, 2007).

والتر<sup>۴</sup> با مطالعه «مبارزات منفی در اروپای غربی؛ مشابه یا متفاوت؟» در سه کشور آلمان، انگلیس و هلند بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۶ درمی‌یابد که نظام حزبی، کلید فهم مبارزات منفی در این کشورها است (Walter, 2013).

والتر در مطالعه دیگری با عنوان «وقتی سهام بالا می‌رود: رقابت‌های گروهی و کمپین‌های منفی» که به‌همراه همکارانش انجام داده است— با استفاده از الگوی چندلایه متقابل، تقریباً همین نتیجه را با تأکید بر ویژگی‌های احزاب سیاسی به‌دست آورده است (Walter et al, 2013).

مارتین دولزال<sup>۵</sup> و همکارانش نیز در پژوهش «مبارزات منفی و منطق تلافی در رقابت‌های چندجانبه» دریافته‌اند که منطق «انتقام‌جویی»، ویژگی اصلی مبارزات منفی است (Dolezal, 2016).

1. Young Min
2. Kim leslie fridkin
3. Timothy B. Krebs and David B. Holian
4. Annemarie S. Walter
5. Martin Dolezal

افزون بر این، کرسستین ال. ملوند<sup>۱</sup> و همکارانش (2016) نیز در مطالعه «جریان‌های مبارزات انتخاباتی منفی: مطالعه طولی تأثیر عوامل زمینه‌ای بر سخنان تبلیغاتی در دانمارک» دریافته‌اند که کمپین‌ها با افزایش شمار احزاب، منفی‌تر می‌شوند، زیرا فاصله ایدئولوژیک در نظام حزبی زیاد و این خود، سبب گسترش درگیری سیاسی در انتخابات می‌شود (Elmelund, 2016).

براین اساس، خلأ پژوهش علمی درباره مبارزات منفی در انتخابات ایران و غلبه نگاه کلی و غیرروشمند و غیرمیدانی، ضعف مهم مطالعات داخلی است، اما پژوهش‌های خارجی نیز ریشه مبارزات منفی را بیشتر در چارچوب محیط و مبارزات انتخاباتی و بی‌توجه به بستر فرهنگی و ساختاری کشورها مطالعه کرده‌اند. نکته دیگر این است که مطالعه خارجی را نمی‌توان برای فهم پدیده داخلی به‌کار گرفت؛ بنابراین، نویسندگان مقاله باور دارند که علل مبارزات منفی در ایران، فراتر از عوامل انتخاباتی است و باید به دلایل غیرانتخاباتی آن نیز توجه شود.

## ۲. روش پژوهش و جامعه آماری

پژوهش حاضر از نوع کیفی<sup>۲</sup> است و یافته‌های آن به شیوه‌ای غیرآماري یا هرگونه کمی‌سازی به‌دست آمده‌اند. این نوع پژوهش بیشتر به تحقیق درباره زندگی افراد، شرح حال‌ها، رفتارها، و همچنین، کارکردهای سازمانی، جنبش‌های اجتماعی، یا روابط بین‌الملل معطوف است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷)؛ از این‌رو داده‌های بخش میدانی به روش کیفی و با فن «مصاحبه هدفمند و هدایت‌شده» با نخبگان سیاسی گردآوری شده‌اند. در این تکنیک، پژوهشگر تلاش می‌کند با طرح پرسش‌های نیمه‌ساخت‌یافته، ضمن جلوگیری از انحراف مصاحبه از هدف اصلی، مانع تمرکز و هدایت آن به سمت وسوی خاصی شود (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۵: ۲۰۵؛ سیدمن، ۱۳۹۵: ۴۳-۳۵). جامعه آماری، نخبگان سیاسی مستقر در شهر تهران، شامل استادان علوم سیاسی، فعالان، و نیز کارشناسان سیاسی است. جمعیت نمونه نیز با روش نمونه‌گیری «شبکه‌ای» تعیین شده‌اند. در این روش، با توجه به

1. Christian Elmelund  
2. Qualitative Research

تخصصی بودن موضوع، دستیابی به متخصصان، بیشتر از طریق خود مصاحبه‌شوندگان امکان‌پذیر است. براین اساس، از آن‌ها خواسته شد که افرادی را معرفی کنند که مطالعه و دانش انتخاباتی داشته باشند یا کار اجرایی انتخاباتی انجام داده باشند. با این روش با ۱۶ کارشناس، شامل ۱۲ استاد علوم سیاسی دانشگاه‌های تهران، ۳ عضو فعال حزبی، ۱ کارشناس سیاسی وزارت کشور، و ۱ نفر از مدیران فرهنگی وزارت علوم<sup>(۱)</sup> مصاحبه کردیم. پژوهشگران پس از دریافت و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، آن را در قالب پاراگراف‌هایی مفهوم‌بندی کردند. در ادامه نیز مقوله‌های اولیه در سه مرحله استخراج شدند: کدگذاری اولیه براساس عین گفته‌ها (کدگذاری باز)، کدگذاری محوری که حاصل پیوند کدهای اولیه است، و درنهایت کدگذاری گزینشی که سطح بالاتر انتزاع است.

### ۳. مفاهیم کلیدی

«مبارزات منفی» و «تخریب و ترور شخصیت»، ارکان اصلی این مقاله را شکل می‌دهند که ابتدا آن‌ها را تعریف می‌کنیم.

#### ۳-۱. مبارزه منفی

از مبارزه منفی — با تأکید بر مؤلفه‌های مختلف (هرگونه انتقاد، محتوای منفی، افشای اطلاعات محرمانه، و...) — تعریف‌های فراوانی در دسترس است (Geer, 2006; Freedman, Wood, & Lawton, 1999; Mattes, Dowling & Krupnikov, 2016; Redlawsk, 2001)، اما در مقاله حاضر، به معنای رقابت انتخاباتی‌ای است که در آن نامزدها، احزاب طرفدار، و هواداران، در صدد هستند که با بهره‌گیری از امکانات در دسترس و به هر شیوه‌ای بر اعتبار، صداقت، برنامه، شخصیت، و پیشینه نامزد رقیب و احزاب طرفدار آن تأثیر منفی بگذارند تا آرا و محبوبیتش را نزد رأی‌دهندگان کاهش دهند و در مقابل، بر اعتبار خود بیفزایند.

#### ۳-۲. تخریب یا ترور شخصیت

ترور شخصیت<sup>۱</sup>، لجن‌مالی کردن<sup>۱</sup>، و سیاه‌نمایی، معادل‌های رایجی برای «تخریب»

هستند، اما با توجه به شناخته‌شده‌تر بودن کلمهٔ تخریب در ایران، بیشتر از آن استفاده کرده‌ایم که به معنای اتهام زدن یا خشونت کلامی علیه فردی به قصد از بین بردن یا آسیب رساندن به شهرت، اعتبار، یا اعتماد به او است. گفته می‌شود فرد پس از تخریب، به سختی می‌تواند وضعیت پیشین خود را به دست آورد، زیرا با آسیب‌های پایدار در طول زندگی همراه است (definitions.uslegal.com).

#### ۴. چارچوب نظری

زمینه‌های شکل‌گیری رفتار تخریبی و مبارزه منفی در انتخابات ریاست جمهوری ایران از چند زاویهٔ نظری قابل بررسی است: نخست، آگاهی از نقش سنت و تأثیر خلیقات ایرانیان بر رفتار منفی؛ دوم، شناخت تأثیر عوامل روان‌شناختی سیاسی-اجتماعی بر افزایش تخریب‌ها؛ سوم، نقش مبارزات انتخاباتی در منفی شدن رفتار نامزدها و مردم؛ و چهارم، پی بردن به نقش ساختارها و نهادهای انتخاباتی در بروز چنین رفتارهایی.

#### ۴-۱. روحیات، خلیقات، و فرهنگ ایرانیان

بر اساس ادبیات دردسترس، مفروضه‌های این دیدگاه دربارهٔ ایران به شرح زیر هستند: ۱. تداوم «دیالکتیک استبداد» که سبب می‌شود هویت جمعی ایرانیان، تحمل اصلاح‌گران بزرگی مانند امیرکبیر و مصدق را نداشته و درصدد تخریب و به‌زیر کشیدن آن‌ها باشد (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۱۰ و ۱۵۲)؛

۲. فرهنگ «آمریت و تبعیت» که سبب تحول تلقی عمومی از «اصل رقابت» (در مبارزه و فعالیت سیاسی) به «اصل ستیز» می‌شود (علم، ۱۳۸۷: ۳۶۹)؛

۳. تداوم خلیقات منفی (بی‌اعتمادی، قاعده‌گریزی، رفتار غریزی، احساسات مفرط، فردگرایی منفی، حذف و تخریب در حل اختلاف‌ها، و...) که در دو بنیان ریشه دارد: نخست، خودمحوری و رعایت نکردن منافع و خواسته‌های دیگران و دوم، ضعف فرهنگ و روح جمعی. این دو بنیان نیز خود، نتیجهٔ نظام‌های استبدادی و پادشاهی هستند (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۱۷۰ و ۸)؛

۴. حضور مؤلفه‌های اخلاقی منفی‌ای مانند نفع‌طلبی، عهدوپییمان‌شکنی، نفاق و تفاوت در ظاهر و باطن، دروغ‌گویی و کلاهبرداری در میان ایرانیان (جمالزاده، ۱۳۴۵: ۱۲):

۵. توهم توطئه که براساس سازوکاری دفاعی-روانی و با هدف سلب مسئولیت از خود سبب می‌شود که دیگران و گاهی یکدیگر را به خیانت و وطن‌فروشی و دوست دشمن، متهم و معرفی کنند (اشرف، آبراهامیان، و کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۷۲).

از نگاه این پژوهشگران، بی‌تردید این مؤلفه‌های منفی اخلاقی در رفتارهای جمعی ایرانیان نمایان می‌شود. انتخابات و مبارزه انتخاباتی از جمله بزنگاه‌هایی است که بستر مناسبی را برای نمایان‌سازی اثرات منفی این خلیقات فراهم می‌کند.

بخش دیگری از روحيات و خلیقات ایرانیان در قالب دیدگاه روان‌شناسی سیاسی تبیین می‌شود. برآیند این دیدگاه بر تعیین‌کنندگی عوامل روانی در کنش سیاسی تأکید دارد. براساس این دیدگاه، توده‌های انتخاباتی، افرادی فاقد قدرت قضاوت درست، ضعیف در تفکر منتقدانه، تحریک‌پذیر، و خوش‌باور و ساده و متأثر از رهبران و فنون اقناعی آن‌ها هستند (لوبون، ۱۳۶۹: ۲۰۱) و انتظار دارند که منتخبان، پاسخ‌گوی خودپسندی آن‌ها باشند و برای جلب آراء، یکدیگر را تخریب کنند (لوبون، ۱۳۶۹: ۲۰۲). افزون بر این، برخی از رفتارهای پرخاشگرانه — به گفته اروین گافمن — متأثر از «داغ‌ننگ» است. فرد یا گروهی که به آن برچسب زده شده است، در صدد است تا آن را از خود دور کند و اگر با رفتارهای تدافعی نتواند، با شجاعتی پرخاشگرانه یا در پاسخ به عمل متقابل دیگران عمل می‌کند (گافمن، ۱۳۹۲: ۳۴). مهم‌ترین کاربرد برچسب‌زنی و تخریب در کارزارهای انتخاباتی، سرگرم کردن رقیب و سرمایه‌های او به مسائل حاشیه‌ای است (قهرمانپور، ۱۳۹۴: ۳۷). «کین‌توزی» نیز بخشی از رفتار تخریبی را تبیین می‌کند که مکس شلر آن را حالتی احساسی، بی‌درمان، و نفرت‌دائمی و تحقیر می‌داند که در ناتوانی یا ضعف‌های درمان‌ناشدنی ریشه دارد (شلر، ۱۳۹۲: ۱۵)، و در افراد یا گروه‌هایی که به آن مبتلا هستند، نگرش‌های عاطفی فردی یا جمعی منفی‌ای مانند انتقام، نفرت، بدخواهی، حسادت، میل شدید به تحقیر، و خباثت را پدید می‌آورد (شلر، ۱۳۹۲: ۴۰).

۴۰. به نظر شلر، کین‌توزی در موارد تهمت و تخریب شخصیت، نقش عمده‌ای ایفا می‌کند (شلر، ۱۳۹۲: ۶۲). وجه دیگر دیدگاه روان‌شناسی سیاسی، تبیین رفتار

سیاسی نخبگان است. *ماروین زونیس* از این زاویه، رفتار آن‌ها را در برابر رقبا، نتیجه نیروهای روانی بر بستر عوامل محیطی و خانوادگی با خاستگاه اجتماعی می‌داند (زونیس، ۱۳۸۷: ۵۴۹-۵۴۷)، اما *دانیل لرنر* از همین زاویه، بی‌اعتمادی سازمانی را بزرگ‌ترین چالش سیاسی و امنیتی کشورهایمانند ایران، ترکیه، و عراق برمی‌شمارد. بررسی‌های او نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی از یک‌سو همبستگی اجتماعی و همگرایی نخبگان را به حداقل می‌رساند و از سوی دیگر، سبب افزایش بدبینی میان آن‌ها می‌شود (لرنر، ۱۳۸۳: ۲۷۵). به‌همین ترتیب، *جرج کاسپار هومنز* نیز رفتار افراد را متأثر از نوعی نظام مبادله (ملموس و غیرملموس) تبیین می‌کند. چنانچه افراد در روابط چهره‌به‌چهره در برابر رفتار بهنجار خود پاداش مناسبی دریافت کنند، رفتار گذشته را تکرار می‌کنند، اما اگر برخلاف انتظار، پاداش مناسبی دریافت نکنند یا پاداش منفی دریافت کنند، عصبی می‌شوند و پاسخ پرخاشگرانه‌ای نشان می‌دهند (توسلی، ۱۳۸۰: ۴۱۳؛ ریتزر، ۱۳۷۹: ۴۱۴).

بعدها *رابرت گر* با تعمیم دادن برخی وجوه نظریه مبادله به گروه‌های اجتماعی-سیاسی، پدیده تخریب در قالب خشونت سیاسی افراد و گروه‌های سیاسی را نتیجه محرومیت نسبی دانست. به‌نظر او، افراد یا گروه‌های ناکام، خشونت سیاسی را متوجه منبعی می‌کنند که آن را عامل محرومیت خود می‌دانند. میزان خشونت اعمال‌شده نیز متأثر از شدت و گستره محرومیت نسبی است (گر، ۱۳۸۸: ۵۶). او این سازوکار را با مفاهیم سرخوردگی-پرخاشگری ارائه می‌کند (گر، ۱۳۸۸: ۵۹).

#### ۲-۴. مبارزات انتخاباتی

در این دیدگاه‌ها، بحث بر این مسئله متمرکز است که آیا تخریب، ذاتی انتخابات است یا می‌توان انتخاباتی بدون مبارزه منفی تصور کرد. از نگاه *کاواناگ*، هم مردم و هم ستادهای تبلیغاتی نامزدها و مشاوران، در بروز تخریب‌های انتخاباتی مؤثر هستند. مردم، چون اعتمادی به وعده‌های تکراری ندارند، مایلند که نامزدشان به رقیب حمله یا نکته‌های منفی او را بیان کند. ستادهای تبلیغاتی و نامزدها نیز برای جمع کردن رأی بیشتر، این‌گونه عمل می‌کنند. *کاواناگ* بر این نظر است که «بیکارهای منفی کارسازند و در ایالات متحده آمریکا به بخشی از اطلاعات و

دانستنی‌های مشاوران حرفه‌ای تبدیل شده‌اند. به نظر آن‌ها، چون هدف غایی هر مبارزه‌ای کسب پیروزی است، هر راهبردی که کارایی بیشتری دارد، باید استفاده شود» (کاواناگ، ۱۳۷۹: ۱۹۶-۱۹۴). برخی از پژوهشگران بر این نظرند که یکی از تاکتیک‌های بازاریابی سیاسی، تبلیغات تخریبی است که مواردی مانند متهم کردن رقبا، تلاش برای ایجاد نفرت از آن‌ها، تحریک احساسات مذهبی رأی‌دهندگان، استفاده از طنز برای تخریب، و استفاده از شب‌نامه و مچ‌گیری از سوابق و زندگی و فعالیت شخصی نامزدها را دربر می‌گیرد (زارع، ۱۳۹۱: ۱۰۸). از نگاه پژوهشگران، مبارزات انتخاباتی متأخر در آمریکا نشان داده است که مبارزات، مستقیم‌تر و دارای تأثیر احساسی بیشتری شده و تبلیغات منفی، اتهام‌های بی‌مورد، و تجسس رسانه‌ها نیز بیش‌ازپیش رأی‌دهندگان را وابسته کرده است. گسترش این شیوه‌ها در بازاریابی سیاسی به حدی است که می‌توان گفت، ستادهای تبلیغاتی نامزدها را در برابر رأی، به رأی‌دهنده می‌فروشند (نیومن، ۱۳۹۱: ۷۳-۴۴).

### ۳-۴. عوامل نهادی و ساختاری

در دیدگاه‌های نهادی بیشتر از جایگاه، شرح وظایف و اختیارات، عملکرد، و میزان همگرایی یا واگرایی نهادها بحث می‌شود. مهم‌ترین نهادهای دخیل در انتخابات در ایران، عبارتند از: احزاب و گروه‌های سیاسی، قوانین انتخاباتی، قوه مجریه و به‌ویژه وزارت کشور، قوه مقننه، نهادهای ناظر، قوه قضائیه، شورای نگهبان، و رسانه‌ها (صداوسیما) و نماز جمعه‌ها است. گزاره‌های این دیدگاه درصدد تبیین این موضوع هستند که این نهادها تا چه حد همگرایی یا واگرایی دارند؛ چه میزان در حدود اختیارات عمل می‌کنند؛ چه میزان سوگیری جناحی دارند، و در چه صورتی سبب بروز مبارزه منفی و تخریب می‌شوند. برخی از نظریه‌پردازان بر این نظرند که کنش گروه‌های سیاسی ایران بیشتر مبتنی بر واگرایی است نه همگرایی و ناگزیر، در انتخابات سبب بروز مبارزات منفی می‌شود (شمیرانی، ۱۳۷۸: ۲۰۸). برخی از پژوهشگران، عملکرد نهادهایی مانند نظارت استصوابی شورای نگهبان را عامل بروز رفتار منفی در انتخابات دانسته‌اند (جلائی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۵۲) و عده‌ای نیز اساساً چنین عملکردی را مغایر مفاهیم و اصول حقوق عمومی دانسته و به‌جای آن،

«نظارت انتخاباتی» را پیشنهاد کرده‌اند (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹۲-۶۳).

در مورد «قانون و قانونمندی» نیز دو مبحث مهم مطرح است: نخست، تدوین قوانین کارآمد و دوم، اجرای قانون یا جلوگیری از نقض آن؛ به‌عنوان مثال، گفته می‌شود که برای تخریب‌های انتخاباتی قانون داریم، اما علت اجرا نشدن آن وجود اراده‌ای بالاتر از قانون است که از زمان انقلاب مشروطه برطرف نشده است (عبدی، ۱۳۸۷: ۶۴۳)<sup>(۲)</sup>.

مرور مبانی نظری و استخراج شاخص‌های اشاره‌شده، در فهم بهتر دلایل تداوم و گسترش پدیده تخریب در انتخابات مؤثر است. بدیهی است پرسش‌های مصاحبه با نخبگان سیاسی با کمک همین شاخص‌ها تنظیم شده‌اند.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور ساده‌سازی مطالعه و فهم بهتر مصاحبه‌ها، دیدگاه‌های کارشناسان پس از دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری در قالب جدول‌های زیر ارائه شده‌اند. هر جدول دربردارنده پاسخ ۱۶ مصاحبه‌شونده به یک پرسش است. در پایان این بخش نیز مرحله سوم کدگذاری گزینشی که با انتزاع و ادغام مقوله‌های دو مرحله پیشین به‌دست آمده‌اند، ارائه خواهد شد.

جدول شماره (۱). دیدگاه مصاحبه‌شوندگان درباره تأثیر خلیقات ایرانیان بر مبارزات منفی

ردیف	دیدگاه کارشناسان	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱	بخش عمده تخریب‌ها در ایران و سایر کشورها متأثر از خصلت‌ها و خلیقات است... به‌نظر من در این زمینه «قانون‌گریزی» بیشتر از همه تأثیر می‌گذارد.	هم در ایران و هم در سایر کشورها، اخلاقیات جامعه بر تخریب‌ها تأثیر گذارند.	خلقیات جامعه از عوامل اصلی تخریب‌ها است.
۲	به‌عقیده من، چیز ثابتی به‌نام خلیقات ایرانی نداریم. در کل دنیا در مبارزات انتخاباتی این مسائل هست؛ بنابراین، میزان تخریب‌ها متأثر از حساسیت مردم به برخی مسائل است.	خلقیات، تأثیری ندارد. تخریب‌ها به‌دلیل حساسیت زیاد مردم به برخی مسائل است.	حساسیت مردم به برخی مسائل، علت اصلی تخریب‌ها است.
۳	مبارزات منفی در آموزش ندیدن برای جامعه مدنی ریشه دارد. اعتقاد ندارم که خلیقات ایرانی بتواند در رفتار سیاسی افراد به‌صورت جبری دخیل یا تأثیرگذار باشد...	نبود آموزش برای جامعه مدنی، علت اصلی تخریب‌ها است.	نبود آموزش برای جامعه مدنی
۴	این رسوا کردن‌ها را تخریب نمی‌دانم، بلکه رفتاری غلط در مبارزات سیاسی و انتخاباتی است که افراطش خلاف اخلاق است و در همه‌جای دنیا متداول است.	تخریب در همه‌جا دیده می‌شود و ربطی به فرهنگ ایرانی ندارد.	تخریب ارتباطی با فرهنگ ایرانی ندارد.
۵	هیچ مردمی فطری و ذاتی خشن و تخریبچی نیستند.	تخریب مختص ایران نیست؛ ناشی	تخریب، متأثر از

عوامل محیطی و تربیتی است.	از محیط و تربیت و نبود الزامات جامعه مدنی است.	عمده این رفتارها متأثر از عوامل محیطی و تربیتی است... قبول ندارم مختص ایرانی‌ها است، چون وقتی زمینه کاری فراهم نشود، آسیب‌ها به آن وارد می‌شود.
تخریب، خاصیت دموکراسی و رقابت سیاسی است.	تخریب مربوط به دموکراسی و فرهنگ انتخابات در همه‌جاست و ربطی به خلیقات ایرانی ندارد.	این تخریب‌ها خاصیت دموکراسی است. هر نهادی رفتار خاص خودش را دارد و چون انتخابات، رقابتی سیاسی و تلاش برای کسب قدرت است، این رفتارها را همراه دارد و ربطی به پارامترهای ایرانی ندارد.
تخریب، ویژگی رقابت و کمپین‌های انتخاباتی است.	جدال لفظی از لوازم شور انتخاباتی است و ارتباطی با فرهنگ ایرانی ندارد	این مسئله به ماهیت کمپین‌ها و مناظره‌های انتخاباتی برمی‌گردد. هر جا بنگرید، جدال انتخاباتی واقعیت هست... اصلاً این شور انتخاباتی، از الزاماتش همین جدال لفظی است.
غلبه رفتار هیجانی-عاطفی بر رفتار مدنی	خلیقات ایرانی‌ها طبعاً در تخریب مخاطب عنصر مؤثری است.	خلیقات ایرانی‌ها به سه دلیل در تخریب مؤثر است: ۱. غلبه رفتار هیجانی-عاطفی بر رفتار مدنی-اخلاقی؛ ۲. نبود تجربه دموکراتیک در خانواده؛ ۳. ذات دموکراتیک و مجاز بودن نامزد برای تحریک احساسات
ضعف فرهنگ رقابت در ایران	ضعف و آسیب‌های فرهنگ رقابت در ایران	در رقابت‌های انتخاباتی، طرف‌های رقیب به هر چیزی متوسل می‌شوند تا پیروز شوند. حتی برخی قومیت‌ها به شعارهای ناسیونالیستی متوسل می‌شوند؛ کاندیداها نیز از آن برای مقاصد انتخاباتی بهره می‌برند.
تأثیر نداشتن خلیقات بر تخریب‌ها	هیچ ارتباطی بین مبارزات منفی و رفتار ایرانی وجود ندارد چون خلیقات ایرانی چیز روشنی نیست.	...مگر خلیقات ایرانیان و دیگر جهانیان چیزهای روشنی است... خصایص یک کشور را نمی‌شود، از خصایص افراد درآورد... من خصلت ایرانی‌ها را مثبت می‌دانم و جزء جامعه‌شناس‌های بدبین نیستیم.
عدم گذار به زندگی مدنی و خشم فروخته، عامل اصلی تخریب‌هاست.	عدم گذار از ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای و وارد نشدن به زندگی مدنی، خشم‌های فروخته جامعه، و احساسی بودن، عوامل تخریب در ایران هستند.	یکی از ویژگی‌های فرهنگی ایرانی‌ها، قطبی‌سازی حوادث هست... عدم گذار از ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای و وارد نشدن به زندگی مدنی، علت آن است. بخش دیگر اینکه این برخوردها حاصل خشم‌های فروخته جامعه هست. یک ادبیات نفرتی <sup>۱</sup> هم در این بین رد و بدل می‌شود... شاید یکی از خصلت‌های ایرانی که در تخریب‌ها هم مؤثر است، احساسی بودن است.
سیاست، دنیای تعارض و درگیری است.	سیاست، دنیای تعارض و رقابت است که ممکن است خصلت‌ها و اخلاق ایرانی هم آن را همراهی کند.	در دنیای سیاست، دنبال رقابت هستیم و ابزار آن تعارض، درگیری، رقابت و گاهی همراهی و گاهی رویارویی هست؛ درعین‌حال هم ممکن است ریشه در منش‌ها و خصلت‌هایمان هم داشته باشد.
نبود ارتباط پایدار بین اخلاقیات ایرانی و تخریب‌ها	اخلاقیات ایرانی، عامل اصلی تخریب نیست. این رفتارها در کشورهای دیگر بیشتر از ایران است.	نمی‌توان رابطه‌ی پایداری بین خلیقات ایرانی با تخریب برقرار کرد... در هر جامعه‌ای می‌توان این رفتارها را دید.

نوعی ارتباط ارگانیک و دیالکتیک بین فرهنگ عمومی و رفتار انتخاباتی هست... از خلقیات ایرانی که بر افزایش تخریبها اثرگذار هست، می توان به بی اعتمادی به دیگران، سوءظن، نبود کار جمعی، هیجانی و احساسی بودن ایرانیان اشاره کرد.	۱۴	ارتباط بین اخلاقیات ایرانی و شکل گیری تخریبها و فرهنگ عمومی ایرانی عامل مهمی در تخریبها است.	تأثیرپذیری انتخابات از فرهنگ عمومی ایرانیان
نمی توان تخریبها را به خلقیات و فرهنگ ایرانی تقلیل داد. ... من معتقدم که این خلقیات و فرهنگ ایرانی بیشتر بستر هست تا عامل اصلی تخریبها.	۱۵	فرهنگ ایرانی یکی از عوامل هست نه همه آن. این فرهنگ، بستر ساز و زمینه ساز تخریب است تا علت اصلی آن.	اخلاقیات ایرانی بستر ساز تخریبهاست و نه عامل اصلی.
به نظر من، ویژگی های فرهنگی و خلقیات ایرانی تأثیر تعیین کننده ای بر رفتارهای تخریبی و انتخاباتی دارد.	۱۶	خلقیات همانند عرصه های دیگر بر رفتار انتخاباتی هم تأثیرگذار است.	تأثیر خلقیات بر انتخابات همانند دیگر عرصه ها

جدول شماره (۲). دیدگاه مصاحبه شونده گان درباره گزاره «تخریب، ویژگی ذاتی انتخابات و مبارزات سیاسی است»

ردیف	نظرات کارشناسان	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱	در هر انتخاباتی نمی تواند صحت داشته باشد، ولی در ایران، به خاطر برخی علل، مانند نبود احزاب واقعی، تأیید صلاحیتها و دوگانگی برخورد با تخلفات می تواند ذاتی انتخابات باشد.	نبود شرایط لازم برای رقابت منصفانه، نبود احزاب واقعی، و برخورد دوگانه با تخلفات، تخریب را ذاتی انتخابات کرده است.	نبود شرایط و زمینه های لازم، سبب بروز تخریب می شود.
۲	تخریبها ذاتی فرایند انتخابات هست؛ و در جهان واقعی سیاست، حدی از تخریب حتماً وجود دارد.	تخریبها در ذات انتخابات و جزء برنامه های نامزدها است.	تخریب، ویژگی رقابت های انتخاباتی است.
۳	به اعتقاد من، خیر... البته اگر نهادسازی نباشد و نهادینه نشود، می توان گفت، تخریب، ذاتی هر انتخاباتی است.	تخریب، ذاتی انتخابات نیست، ولی برای انتخابات به دور از تخریب باید امور زندگی و قوانین انتخاباتی نهادینه شود.	در نبود نهادسازی، تخریب انتخاباتی حتمی است.
۴	در همه جای دنیا متداول است و شما دیدید خانم کلینتون و آقای ترامپ... کار به تهمت جاسوسی برای روسیه و خیانت کشیده شد.	تخریب انتخاباتی همه جا رایج است و مختص ایران نیست.	تخریب در همه انتخابات مشاهده می شود.
۵	اگر زمینه برای انتخابات سالم و رقابتی فراهم باشد، تخریب و توهین، جزء ذات انتخابات نخواهد بود.	فراهم بودن زمینه رقابت سالم مانع بروز تخریب است.	تخریب، نتیجه نبود زمینه های سالم رقابت است.
۶	اعتقاد دارم بیشتر تحت تأثیر خود انتخابات هست... ذات خود انتخابات به وجود آورنده تخریب هست.	تخریب، ویژگی (ذاتی) رقابت های انتخاباتی است.	تخریب، ویژگی ذاتی انتخابات است.
۷	همه جا، جدال های انتخاباتی یک واقعیت هست... در ایران دو عامل آن را تشدید می کند: ۱. محدود و فشرده بودن دوره تبلیغات؛ ۲. ندیدن منافع ملی به عنوان چراغ راهنما	تخریب، ویژگی رقابت انتخاباتی است. در ایران، فشرده گی دوره تبلیغات و بی توجهی به منافع ملی آن را تشدید می کند.	تخریب، ذاتی انتخابات است، اما شرایطی در ایران آن را تشدید می کند.
۸	انتخابات در ایران به سه دلیل خشونت پرور و سبب تخریب است: ۱. اصل کنترل، فیلترینگ، و	به دلیل کنترل و فیلترینگ، امتیازات فراوان در سیاست، و	تخریب، ذاتی نیست، اما نتیجه شرایط و عملکرد

	نمود نظارت بر کمک‌های انتخاباتی، تخریب، ویژگی رقابت‌های انتخاباتی است.	سخت‌کاری نامزدهای انتخاباتی؛ ۲. امتیازات انبوه نهفته در بازی سیاسی؛ ۳. نبود نظارت بر کمک‌های انتخاباتی
۹	اگر در کشوری مانند ایران، تخریب رقبا صورت گرفت، این نتیجه خلأ قانون در زمینه جلوگیری از تخریب‌ها است.	در ایران این تخریب‌ها و سیاه‌نمایی‌ها... نتیجه خلأ قانون است.
۱۰	تخریب و رفتارهای منفی در همه انتخابات دنیا طبیعی است و گاه بیشتر از ایران است.	ببینید در همه کشورها حتی دموکراسی‌ها، در مبارزه‌های انتخاباتی، شاسی همدیگر را پایین می‌آورند. از این نظر من بعید می‌دانم که ایران، کشور غیرنرمالی باشد.
۱۱	انتخابات به‌علت ایجاد دوقطبی عادلانه‌غیرعادلانه سبب تخریب می‌شود.	گاه یک یا دو طرف احساس می‌کنند روند، عادلانه نیست و کاندیدای طرف مقابل را با حاکم، یکی تلقی می‌کنند؛ لذا می‌گویند باید انتقامان را از او بگیریم... از این جهت می‌توان تخریب را ذات انتخابات نامید.
۱۲	سیاست و انتخابات عرصه رقابت است و رقابت سبب بروز تخریب و گاه تخریب است.	ما در دنیای سیاست دنبال رقابت، تحقق منافعمان در حوزه‌های عمومی هستیم؛ و ابزار آن تعارض، درگیری، رقابت و گاهی همراهی و گاهی رویارویی هست.
۱۳	مسئولیت سیاسی در ایران، پرمفعت است و رقابت بر سر آن خشونت‌آمیز	تصدی مشاغل سیاسی جزء شغل‌های پرمفعت و مهم در کشور ما هست. طبیعتاً رقابت بر سر تصدی این شغل‌ها سبب کشمکش و دعوای سیاسی می‌شود.
۱۴	چون انتخابات، رقابت بر سر قدرت هست، تخریب، پدیده رایجی است، اما شدت و دلایل آن در کشورها یکسان نیست.	چون انتخابات، مکانیسم کسب قدرت هست، بخشی از رفتارهای تخریبی و خشونت‌آمیز را همراه خود دارد؛ ... این نوع رفتار در اکثر کشورها مشاهده می‌شود، البته دلایل در کشورهای مختلف متفاوت هست.
۱۵	در ایران یک دیدگاه، تخریب را پدیده معمول انتخابات می‌داند و دیدگاه دیگر نتیجه نبود شرایط مطلوب یک انتخابات.	در ایران دیدگاهی این هست که رقابت انتخاباتی به این شکل، با تخریب همراه است... دیدگاه دوم معتقد هست، اگر برای اجرای انتخابات درست پیش‌بینی کنیم، تخریب نمی‌تواند باشد.
۱۶	تخریب انتخاباتی در همه‌جا هست، اما با دلایل متفاوت	بله می‌تواند چنین ادعایی صحت داشته باشد... در کل دنیا این نوع رفتار دیده می‌شود، ولی باید توجه کرد که آیا در انتخابات آمریکا و ایران دلیل رفتارها یکی است، قطعاً خیر.

جدول شماره (۳). دیدگاه مصاحبه‌شوندگان درباره تأثیر ساختارها و نهادهای انتخاباتی بر مبارزه منفی

ردیف	نظرات کارشناسان	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱	نقش نهادهای نظارتی‌ای مانند شورای نگهبان بیشتر از دیگر نهادها است. اگر با سایر نامزدها مانند نامزدهایی که از طیف خود نیستند برخورد کنند، تخریب‌ها رخ نمی‌دهد... همچنین، بیشتر رفتار ناسالم به خاطر نبود احزاب واقعی است.	برخورد متفاوت شورای نگهبان با نامزدهایی که از طیف خود نیستند، و نیز نبود احزاب واقعی از مهم‌ترین دلایل تخریب در انتخابات ایران است.	برخورد متفاوت شورای نگهبان و نبود احزاب واقعی از مهم‌ترین دلایل مبارزات منفی است.
۲	اگر انتخابات از استانداردهای آزاد و عادلانه برخوردار باشد، احتمال تخریب پایین‌تر است... در برخی انتخابات مانند سال ۸۸ بیشتر تخریب‌ها از اجرای انتخابات بود، یعنی نهاد وزارت کشور؛ و در برخی انتخابات بیشتر تخریب‌ها از رد صلاحیت‌ها.	نبود معیارهای آزاد و عادلانه از جانب وزارت کشور و نیز شورای نگهبان سبب بروز تخریب‌ها می‌شود.	نبود معیارهای آزاد و عادلانه از سوی نهادهای اجرایی و نظارتی
۳	نهادها در ۲۰ ساله اول انقلاب بیشترین تأثیر را در تخریب‌ها داشته‌اند و در ۲۰ ساله دوم فرانهادهایی مانند نمازهای جمعه و جماعت، نیروی انتظامی و نظامی، شورای نگهبان، صداوسیما. یکی دیگر از دلایل اصلی تخریب‌ها، نبود یا ضعف جدی احزاب است.	در ۲۰ ساله نخست انقلاب، نهادهای مثل وزارت کشور و در ۲۰ ساله دوم انقلاب، فرانهادهایی مانند شورای نگهبان و نمازهای جماعت و صداوسیما و همچنین، ضعف جدی احزاب، از دلایل اصلی تخریب‌ها هستند.	عملکرد وزارت کشور، فرانهادهایی مانند نماز جمعه و جماعت و صداوسیما و ضعف جدی احزاب، علل اصلی تخریب هستند.
۴	...این تخریب‌هایی که نام می‌برید، ناشی از عدم وجود احزاب هست... دخالت بی‌مورد شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها هم از مهم‌ترین عوامل تخریب هست.	نبود احزاب واقعی و عملکرد شورای نگهبان، تأثیر منفی‌ای بر رفتارهای انتخاباتی دارند.	نبود احزاب واقعی و نبود سلامت در نهادهای نظارتی و اجرایی
۵	تخریب‌ها تا حدودی از مسئولان هم هست، چون برخی از مسئولان از رقبا هستند؛ به اعتقاد من در تخریب‌ها قوه قضائیه بیشتر از همه مقصر هست و در درجه بعد، شورای نگهبان مقصر هست.	نبود بی‌طرفی و سوگیری مسئولان به‌ترتیب، عامل اصلی در نقش‌آفرینی نهادهای انتخاباتی در تخریب‌ها است.	سوگیری نهادهای نظارتی
۶	...مسئله اصلی به بازنمایی برمی‌گردد. رسانه‌های رسمی در ده سال گذشته مثلاً از ۸۸ چون تنها رسانه‌های قدرتمند بازنمایی بودند، خیلی اثرگذار بودند، ولی امروز بحث اصلی شبکه‌ها و رسانه‌ها فضای مجازی هست که اثرگذار است؛ شما دیدید در انتخابات اخیر [مجلس] نقش شبکه‌های مجازی برجسته بود. در کجای انتخابات مجلس در دنیا یک لیست عین ۳۰ نفرش رأی می‌آورد...	در ۱۰ سال اخیر، صداوسیما و در انتخابات اخیر مجلس، فضای مجازی بیشتر از همه در تخریب‌ها نقش داشتند.	بازنمایی رسانه‌های رسمی و اثرات فضای مجازی
۷	به‌اعتقاد من، چهار نهاد شورای نگهبان، صداوسیما، احزاب، و قوه قضائیه از میان شش نهاد که ذکر شد، بیشترین تأثیر را در تخریب دارند.	نهادهای انتخاباتی کم‌وبیش در تخریب‌ها مقصرند، اما شورای نگهبان، صداوسیما، احزاب، و قوه قضائیه بیشتر از سایرین باعث تخریب می‌شوند.	عملکرد احزاب، صداوسیما و نظارتی در بروز تخریب بیشتر مؤثر است.

سوگیری نهادهای مجری و ناظر و نقص قوانین انتخاباتی	نقص و ایراد در ناظران و مجریان انتخاباتی و نقص در قوانین نظام انتخاباتی از مهم ترین عواملی هستند که در مورد نقش نهادهای در مبارزات منفی می توان نام برد.	ناظران مانند شورای نگهبان و مجریان مانند وزارت کشور، از آغاز انتخابات تا پایان، جهت گیری سیاسی دارند. همچنین، ناکارآمدی نظام انتخاباتی (که سه علت دارد: ۱. نقص قوانین تبلیغات انتخاباتی؛ ۲. نقص قوانین جرائم انتخاباتی؛ ۳. ناکارآمدی نهاد بازرسی و نظارت)	۸
نظارت استصوابی حداکثری شورای نگهبان	نظارت استصوابی حداکثری شورای نگهبان و رد صلاحیت گسترده، سبب بدبینی و تخریب خواهد شد.	اگر نظارت استصوابی حداکثری باشد و خیلی ها را رد صلاحیت کنند، این اثر سوءظن و بدبینی را افزایش می دهد، هم به کاندیداها، هم به نهادهای و هم به نظام.	۹
عملکرد شورای نگهبان و صداوسیما بیشترین تأثیر را در تخریب دارد.	شورای نگهبان و صداوسیما در عملکرد خود تبعیض و جهت گیری دارند و زمینه مبارزه منفی را افزایش می دهند.	من نقش شورای نگهبان و صداوسیما را برجسته می دانم. شورای نگهبان در ماهیت نظارتی، اجرایی و رد صلاحیت ها؛ و صداوسیما با تبلیغات یک سوئه...	۱۰
به رسمیت نشناختن نظام حزبی در نظام انتخاباتی	به رسمیت نشناختن احزاب در نظام انتخاباتی از زمینه های توسل به مبارزات منفی است.	زمانی که حزب و نظام حزبی رسمیت ندارد... اگر حزب کمی این طرف یا آن طرف تر پایشان را بگذارند، دادگاه یک طرفه حکم منحل بودنشان را خواهد داد. اگر احزاب برنامه حزبی، ساختار تشکیلاتی، و غیره نداشته باشند، این هم از مشکلات نظام انتخاباتی است.	۱۱
شورای نگهبان با نظارت استصوابی و وزارت کشور با پایبند نبودن به قوانین انتخاباتی	نقش شورای نگهبان به واسطه نظارت استصوابی و وزارت کشور با عدم پایبندی به قانون انتخابات در برخی از دوره ها در تخریب ها آشکارتر است.	به اعتقاد من... شورای نگهبان به واسطه نظارت استصوابی، در حرکت صحیح انتخابات خدشه وارد می کند. وزارت کشور هم با عدم پایبندی به قانون انتخابات در برخی دوره ها در تخریب مؤثر بوده است.	۱۲
رفتار مسئولان نهادهای انتخاباتی عامل تخریب های انتخاباتی است	نهادهای دخیل در انتخابات نه به لحاظ ماهیتی، بلکه در نتیجه عملکرد مسئولان آن ها، در تخریب ها نقش دارند.	نوع رفتار این نهادها، در شورای نگهبان، وزارت کشور، صداوسیما، قوه قضائیه، و غیره، معمولاً در بروز منازعات و خشونت کلامی و تخریب ها، نقش دارد.	۱۳
رانتی بودن ساخت دولت و ضعف بودن جامعه مدنی	رانتی بودن دولت و تلاش نیروهای سیاسی رقیب برای چنگ انداختن به سهم بیشتری از رانت سبب رقابت منفی نیروهای سیاسی می شود. جامعه مدنی ضعیف از مهم ترین دلایل بروز تخریب در انتخابات است.	... این به ساخت دولت رانتی در ایران برمی گردد... دولت به مثابه منبع ثروت و قدرت و منزلت، هدف نیروهایی است که به رقابت های انتخاباتی وارد می شوند و عرصه را برای رقابت منفی تر می کنند. مسئله دیگر، جامعه مدنی ضعیف است؛ نهادهای مدنی لازم در شکل دادن به رقابت سالم غایب هستند.	۱۴
نهادهای دخیل در انتخابات با تهدید به افشای اطلاعات نامزدها، سبب مبارزه منفی می شوند.	نهادهای ناظر و اجرایی انتخابات قادرند تخریب در انتخابات را به واسطه افشای غیرقانونی اطلاعات نامزدها افزایش دهند.	نهادهای انتخاباتی به پرونده های مختلفی دسترسی دارند، شخصی، خانوادگی، اقتصادی، دارایی، حقوقی، فردی، و سیاسی و با تهدید به انتشار، در شکل دادن به تخریب های شخصیتی نقش دارند.	۱۵

جدول شماره (۴). راهکارهای پیشنهادی مصاحبه‌شوندگان برای کاهش مبارزات منفی

ردیف	نظرات کارشناسان	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۱	بی‌طرف بودن و نبود جهت‌گیری سیاسی نهادهای ناظر، به‌ویژه شورای نگهبان، عامل بسیار مهمی هست. تأثیر قانون‌گرایی بیشتر از همه موارد دیگر است. نکته دیگر اینکه حزب، پرچم دارد و اگر نباشد، نمی‌توان کسی را مقصر دانست.	بهترین ضمانت جلوگیری از تخریب، قوانین خوب و عادلانه و قانون‌گرایی در نهادهای ناظر و اجرایی و همچنین، وجود احزاب شناسنامه‌دار در کشور است.	بی‌طرفی نهادهای ناظر، قانون‌گرایی، و قوانین عادلانه، و وجود احزاب رسمی در کشور
۲	هرچه قوانین عادلانه‌تر و کامل‌تر باشد و از طرف دیگر، اجرای قوانین و ضمانت اجرای آن جدی‌تر و منصفانه‌تر، تخریب‌ها کمتر و کمتر خواهد شد؛ و به‌منظر من، قانون تبلیغات هم باید منصفانه و عادلانه باشد برای همه طرف‌ها. هرچه انتخابات برنامه‌محورتر باشد، تخریب پایین‌تر است.	قوانین عادلانه و بی‌نقص و اجرای درست قوانین، همچنین، به‌رسمیت شناختن و توجه به نقش احزاب که سبب برنامه‌محور شدن انتخابات و کاهش تخریب‌ها می‌شوند.	قوانین بی‌نقص و عادلانه، ضمانت اجرای قوانین و به‌رسمیت شناختن احزاب در انتخابات.
۳	به‌اعتقاد من، اگر احزاب در ایران پیشرفته شوند، حجم تخریب‌ها به‌مراتب پایین‌تر خواهد آمد. آشنایی و آگاهی با جامعه مدنی و باور به الزامات آن و همچنین، افزایش مشارکت مردم در امور زندگی.	تقویت احزاب و آگاهی از الزامات جامعه مدنی و پیامدهای آن در زندگی مردم، همچنین، افزایش آگاهی و مشارکت سیاسی مردم	تقویت احزاب و باور به جامعه مدنی و الزامات آن و نیز افزایش آگاهی سیاسی مردم
۴	فرهنگ رقابتی باید در انتخابات ایران اصلاح شود.	اصلاح فرهنگ رقابتی	اصلاح فرهنگ رقابت در انتخابات
۵	حاکمیت کارکرد حزبی در کشور، دولت نباید در انتخابات دخالت داشته باشد، بلکه احزاب، انتخابات را اداره کنند.	کارکرد حزبی در کشور باید واقعی شود و فقط احزاب در انتخابات دخالت کنند.	رسمیت نقش احزاب در اداره انتخابات
۶	راهکار کاهش تخریب‌ها این است که در نهادهای مسئول انتخابات، آدم‌های درست و بی‌طرف بگذاریم؛ انتخابات را از دستگاه‌های رقابت خارج و مستقل کنیم تا توسط نهادهای مدنی اداره شود.	افرادی که مسئولیت نهادهای اجرایی و نظارتی انتخابات را دارند، بی‌طرف و صادق باشند. همچنین، خارج کردن قوه مجریه از مدیریت انتخابات.	انتصاب افراد بی‌طرف در نهادهای درگیر انتخابات و برگزاری انتخابات توسط نهادهای مدنی.
۷	بیشتر شدن زمان کمین‌های انتخاباتی، توجه به منافع ملی به‌عنوان چراغ راهنما در انتخابات.	خارج کردن انتخابات از فشرده‌گی زمانی رقابت‌ها و توجه به منافع ملی به‌عنوان چراغ راهنما	افزایش زمان رقابت‌های انتخاباتی و محوریت منافع ملی
۸	۱. فرهنگ‌سازی شود؛ ۲. مکانیسم پیگیری نشر اکاذیب و ایراد و تهمت و ایجاد دادگاه ملی انتخابات که بی‌طرف و فوری به تخلف‌ها رسیدگی کند؛ ۳. دادن فرصت در رسانه‌ها به همه طرف‌های انتخابات؛ ۴. دیدار مستمر نامزدهای انتخاباتی و تبادل دیدگاه‌ها؛ ۵. جلوگیری از دست‌رسی بی‌حساب نامزدها به کمک‌های مالی.	اصلاح فرهنگ انتخاباتی، پیگیری فوری و بی‌طرفانه تخلفات، دادن فرصت‌های برابر به جناح‌ها در صداوسیما، تبادل دیدگاه نامزدها، تدوین قوانین ناظر بر کمک‌های مالی به ستادها.	۱. فرهنگ‌سازی؛ ۲. پیگیری نشر اکاذیب؛ ۳. دادن فرصت برابر به رقبا در صداوسیما؛ ۴. گفت‌وگوی نامزدها؛ ۵. نظارت بر کمک‌های مالی به نامزدها
۹	۱. رفع نقص قوانین انتخاباتی؛ ۲. بی‌طرفی ناظران و مجریان؛ ۳. اجماع نهادی مانند شورای نگهبان، صداوسیما، وزارت کشور، قوه قضائیه و... در برخورد با تخلفات، مدیریت	اصلاحات قوانین انتخاباتی، اخلاق انتخاباتی، تعریف منافع ملی، وحدت نهادهای مختلف در کارویژه‌های انتخاباتی.	۱. رفع نقص قوانین انتخاباتی؛ ۲. بی‌طرفی مجریان و ناظران؛ ۳. پایبندی همه طرف‌های درگیر به قانون؛ ۴.

انتخابات و منافع ملی؛ ۴. پابندی کاندیداها و هواداران و نهادهای مسئول در انتخابات به اخلاقی انتخاباتی.	برخورد قاطع مجریان و ناظران انتخاباتی با تخریبها با محوریت منافع ملی
۱۰ اگر بگذارند رقابت حزبی صورت بگیرد، سلامت انتخابات تأمین می‌شود. اگر براساس رقابت و مبارزات حزبی باشد... بهترین مکانیسم کنترل انتخابات هست.	بهرسمیت شناختن نظام رقابت حزبی ایجاد نظام رقابت حزبی
۱۱ مردم احساس کنند انتخابات عادلانه است؛ با از میان بردن شائبه‌های ظلم و بی‌عدالتی در انتخابات، تنوع بخشیدن به نامزدها... به‌نظرم احزاب نقش تسهیل‌گر دارند، چون در چارچوب قانون فعالیت می‌کنند، هرچه به‌سمت نهادهای غیررسمی می‌رویم، امکان تخریب بیشتر هست.	۱. ایجاد احساس عدالت و نبود ظلم در انتخابات؛ ۲. تنوع بخشیدن به نامزدها در تأیید صلاحیتها؛ ۳. به‌رسمیت شناختن احزاب
۱۲ خارج کردن سیاست در ایران از حوزه هستی و نیستی، چه برای آن‌هایی که در قدرت هستند و چه برای آن‌هایی که خارج از قدرت هستند.	خارج کردن سیاست به‌عنوان منبع هستی و نیستی برای گروه‌ها و احزاب
۱۳ به‌نظر من، احزاب باید بین خودشان قواعد رفتاری داشته باشند و همدیگر را مکلف به پیروی از آن بکنند. اصلاح نظارت استصوابی شورای نگهبان...	پیروی احزاب از قواعد رفتاری مناظره میان خود و اصلاح نظارت استصوابی شورای نگهبان
۱۴ یک راه برای کاهش پایدار این منازعات، اصلاح و شفاف‌سازی نظام انتخاباتی است؛ هم‌زمان اصلاح نظام حزبی؛ نظام حزبی سبب می‌شود افراد و احزاب شناسنامه‌دار شوند.	شفاف و مدرن‌سازی نظام انتخاباتی و هم‌زمان اصلاح نظام حزبی
۱۵ قانون رقابت سیاسی، قانون مطبوعات، قانون جرم سیاسی، و قانون احزاب باید از این وضعیتی که زمینه‌ساز تخریب هستند، خارج شوند. دیگر اینکه سازوکارهای حل اختلاف تأسیس بشود و راهکار بلندمدت، باید ساختار نظام به جمهوری‌تیش بیشتر بها بدهد.	افزایش نقش احزاب در اصلاحات قوانین مرتبط با کل فرایند انتخابات. تقویت جمهوریت نظام
باید براساس یک نگاه منظومه‌ای برای اینکه فرهنگ انتخاباتی خود را درست کنیم، ضمن توجه به نهادها و سازمان‌ها، قانون‌ها، روندها، و رویه‌ها، فرهنگ عمومی را اصلاح کنیم.	افزون‌بر اصلاح مجموعه عملکردها، ساختارها، رفتارها، رویه‌ها، و رویکردها، لازم است فرهنگ عمومی اصلاح شود تا در زیرمجموعه آن، فرهنگ انتخاباتی اصلاح شود.

## ۶. کدگذاری گزینشی

در جدول‌های زیر برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، مرحله سوم انتزاع و مقوله‌سازی، یعنی کدگذاری گزینشی ارائه شده است. این مرحله، برگرفته از دو مرحله پیشین است.

جدول شماره (۵). پاسخ پرسش نخست: تخریب‌های انتخاباتی و مبارزه منفی به چه میزان متأثر از خلیقات

ایرانیان است؟

موضوع گیری	مقوله‌ها	کدگذاری گزینشی
موافقان (۶ نفر)	۱. قانون‌گریزی؛ ۲. بی‌اعتمادی و سوءظن به دیگران؛ ۳. ضعف کار جمعی؛ ۴. هیجانی و احساسی بودن؛ ۵. ضعف و آسیب‌های فرهنگ رقابت و بی‌ثباتی مؤلفه‌های وحدت و انسجام اجتماعی در ایران؛ ۶. شرایط و محیط غیردموکراتیک؛ ۷. مجهز نبودن فرهنگ ایرانی به رفتار مدنی؛ ۸. ارتباط بین رفتار ایرانی و رفتار منفی انتخاباتی	حاکم بودن فرهنگ بی‌اعتمادی و غیررقابتی و غیرمدنی و احساسی (تخریب، نتیجه خلیقات ایرانی است)
مخالفان (۱۰ نفر)	نبود ارتباط بین فرهنگ و اخلاق ایرانی و تخریب‌ها به دلیل: ۱. حساسیت مردم به برخی مسائل؛ ۲. نبود جامعه مدنی و عدم گذار به زندگی مدنی؛ ۳. اخلاقیات ایرانی بستر ساز تخریب‌هاست تا عامل اصلی؛ ۴. تأثیر خشم‌های فروخته در جامعه ایران؛ ۵. اخلاق ایرانی مانند فرهنگ‌های دیگر دنیا چیز روشنی نیست که بتوان برای آن نتیجه تعریف کرد؛ ۶. تخریب، متأثر از عوامل محیطی و تربیتی است؛ ۷. سیاست، دنیای تعارض و درگیری است.	در دنیای سیاست؛ تخریب و تعارض پدیده رایجی است. (تخریب نه نتیجه بلکه عارضه‌ای بر فرهنگ سیاسی ایرانی است)

از نگاه موافقان (۶ نفر)، اخلاق و فرهنگ ایرانی در مبارزات منفی تأثیرگذار است؛ با این استدلال که مؤلفه‌ها و اخلاق ایرانی، همانند تأثیر بر عرصه‌های اجتماعی دیگر، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر مبارزات انتخاباتی دارد. در مقابل از نظر مخالفان (۱۰ نفر) اخلاق و فرهنگ ایرانی در مبارزات منفی تأثیرگذار نیست؛ با این استدلال که مبارزات منفی و تخریب، ارتباطی با خلیقات ایرانی ندارد و تحت تأثیر عوامل غیرفرهنگی دیگر است.

جدول شماره (۶). پاسخ پرسش دوم: آیا تخریب، ویژگی ذاتی انتخابات است؟

موضوع گیری	مقوله‌ها	کدگذاری گزینشی
موافقان (۸ نفر)	۱. تخریب در همه‌جا ویژگی رقابت‌های انتخاباتی است؛ ۲. تخریب، ذاتی انتخابات است، اما شرایط رقابت در ایران، آن را تشدید می‌کند؛ ۳. دنیای سیاست و رقابت سیاسی تعارض‌آمیز است؛ ۴. انتخابات، مکانیسم انتقال قدرت است و خودبه‌خود موجب تخریب می‌شود؛ ۵. از نگاه جریان غرب‌ستیز تخریب‌دیده معمول انتخابات کنونی است.	دنیای سیاست و رقابت سیاسی، تعارض‌آمیز است.
مخالفان (۸ نفر)	۱. به دلیل نبود احزاب و عادلانه نبودن فرایند انتخابات، تخریب ذاتی است؛ ۲. در نبود نهادسازی، تخریب انتخاباتی، گریزناپذیر است؛ ۳. فراهم بودن زمینه رقابت سالم، مانع بروز تخریب است؛ ۴. به دلیل اصل فیلترینگ، امتیازات انبوه نهفته در سیاست و عدم کنترل کمک‌های انتخاباتی، تخریب، ویژگی رقابت‌های انتخاباتی است؛ ۵. خلأ قانون، عامل اصلی تخریب در انتخابات؛ ۶. سیاست در ایران منشأ خیرات است و رقابت بر سر آن خشونت‌آمیز؛ ۷. از نگاه جریان غیراصول‌گرایی، این رفتارها قابل کنترل و حذف شدن است؛ ۸. ضعف جامعه مدنی، تخریب را گریزناپذیر می‌کند.	فراهم نبودن شرایط رقابت سالم سبب تخریب می‌شود.

موافقان (۸ نفر) بر این نظرند که مبارزات منفی، ویژگی رقابت‌های سیاسی و انتخابات، و گریزناپذیر است، اما مخالفان (۸ نفر) بر این عقیده هستند که اگر

شرایط رقابت سالم وجود نداشته باشد، تخریب و مبارزه منفی پدیدار می‌شود؛ در نتیجه می‌توان از بروز آن جلوگیری کرد یا دست‌کم آن را کاهش داد.

جدول شماره (۷). پرسش سوم: کدام نهادها و ساختارهای انتخاباتی بر مبارزات منفی در انتخابات تأثیرگذار هستند؟

نهاد	فراوانی	مقوله‌ها	کدگذاری گزینشی
شورای نگهبان	(۱۱ نفر)	۱. برخورد ناعادلانه شورای نگهبان با نامزدها؛ ۲. ناسالم بودن این نهاد؛ ۳. رویکرد منفعت‌طلبانه در کارکرد نظارتی؛ ۴. نظارت استصوابی حداکثری؛ ۵. تبعیض در رد صلاحیت‌ها؛ ۶. رد صلاحیت گسترده	رد صلاحیت گسترده و تبعیض‌آمیز
وزارت کشور	(۶ نفر)	۱. رعایت نکردن معیارهای عادلانه در بخش اجرا؛ ۲. ناسالم بودن این نهاد؛ ۳. سوگیری در وظایف	سوگیری سیاسی
صداوسیما	(۵ نفر)	۱. بازنمایی منفی رسانه‌های رسمی (و غیررسمی)؛ ۲. جهت‌گیری صداوسیما از گذشته	سوگیری جناحی
احزاب	(۴ نفر)	۱. نبود احزاب واقعی؛ ۲. به‌رسمیت نشناختن احزاب در نظام انتخابات؛ ۳. برخورد جناحی احزاب با یکدیگر؛ ۴. شناسنامه‌دار نبودن احزاب	نداشتن کارکرد حزبی
قوه قضائیه	(۳ نفر)	۱. رفتار منفعت‌طلبانه در رویارویی با تخلفات انتخاباتی؛ ۲. پیگیری نکردن تخلفات انتخاباتی	رفتار سلیقه‌ای و تبعیض‌آمیز با تخلفات
نمازهای جمعه و جماعت	(۱ نفر)	تخریب برخی نامزدها در تریبون‌های نماز جمعه و جماعت	سوگیری جناحی

داده‌های جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که از نگاه مصاحبه‌شوندگان، نهادهایی که بیشترین تأثیر را در بروز تخریب و مبارزه منفی در انتخابات دارند، شورای نگهبان و وزارت کشور هستند. سایر نهادها نیز به‌ترتیب فراوانی در جدول نمایش داده شده‌اند.

جدول شماره (۸). پاسخ پرسش چهارم: کدام راهکارها را برای کاهش تخریب و مبارزه منفی پیشنهاد

می‌کنید؟

اولویت	راهکار پیشنهادی	کدگذاری گزینشی
۱	بی‌طرفی ناظران و مجریان انتخابات؛ خارج کردن صداوسیما از یکجانبه‌گرایی	بی‌طرفی نهادهای انتخاباتی
۲	اصلاح نظارت استصوابی شورای نگهبان؛ تنوع بخشیدن به نامزدها در تأیید صلاحیت‌ها	اصلاح نظارت استصوابی
۳	اصلاح قوانین انتخاباتی و حضور فعال احزاب در تدوین قوانین انتخاباتی؛ شفاف‌سازی نظام انتخاباتی و اصلاح نظام حزبی؛ تدوین قواعد رفتاری بین احزاب؛ افزایش مدت‌زمان کمپین‌های انتخاباتی	اصلاح نظام انتخاباتی و حزبی

۴	ایجاد احساس عدالت واقعی و از بین بردن شائبه‌های ظلم و بی‌عدالتی در انتخابات؛ تدوین قوانین انتخاباتی عادلانه	ایجاد حس عدالت در فرایند انتخابات
۵	افزایش آگاهی سیاسی مردم؛ پایبندی نامزدها، هواداران و نهادهای مسئول به قانون و اخلاق انتخاباتی؛ گفت‌وگوی نامزدها و احزاب؛ فرهنگ‌سازی در اخلاق انتخاباتی؛ نگاه منظومه‌ای به کل ساختار، روندها، فعالیت‌ها و رویکردها برای درک و اصلاح فرهنگ عمومی و به تبع آن، فرهنگ انتخاباتی (خارج کردن سیاست به‌عنوان منبع ثروت برای گروه‌ها)؛ تعریف منافع ملی به‌عنوان چراغ راهنمای احزاب، گروه‌ها، و نهادها	اصلاح فرهنگ و فرهنگ‌سازی انتخاباتی با محوریت منافع ملی
۶	تقویت سازوکار پیگیری فوری تخلفات؛ کنترل کمک‌های مالی ستادها	تقویت سازوکار نظارت بر تخلفات
۷	تقویت بعد جمهوریت نظام	تقویت جمهوریت نظام

براساس داده‌های جدول شماره (۸) در برابر علل فراوان رویداد تخریب، مهم‌ترین راهکار ارائه‌شده، تقویت جمهوریت و وجه مردمی نظام است که البته در بطن خود، مواردی مانند لزوم بی‌طرفی نهادهای ناظر، مجری، و همچنین بازوهای رسانه‌ای را دربر می‌گیرد. با هدف تحکیم بی‌طرفی نیز بر ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی از طریق اصلاح قوانین مربوطه و نیز فرهنگ‌سازی انتخابات تأکید شده است.

### نتیجه‌گیری

براساس مقوله‌بندی محتوای مصاحبه‌ها و یافته‌های ارائه‌شده در جدول‌ها، نتایج زیر به‌دست می‌آید:

**ـ خلیات و روحیات ایرانیان:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه، خلیات، و روحیات ایرانیان، فاقد قدرت تبیین‌کنندگی کامل برای پدیده تخریب در انتخابات است، بلکه این عامل در کنار سایر عوامل، اثربخش است؛ هرچند نمی‌توان از این عامل نیز صرف‌نظر کرد. ۱۰ نفر از ۱۶ مصاحبه‌شونده تأکید کرده‌اند که علت اصلی مبارزات منفی، عواملی غیر از خلیات و روحیات ایرانیان است؛ بنابراین، نظریه روحیات و خلیات ایرانیان به‌عنوان عامل اصلی و تنها عامل، تأیید نشد. نکته قابل‌ذکر این است که در میان پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، کمترین پاسخ‌ها به محورهای روان‌شناسی سیاسی اختصاص داشت. از نگاه مصاحبه‌شوندگان، مؤلفه‌های روان‌شناختی‌ای مانند پیشینه فردی و جمعی افراد، مبادله پاداش و مجازات، کینه‌توزی‌ها، احساس داغ‌ننگ، حس انتقام‌جویی، و... در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها و عوامل نهادی-ساختاری و رویه‌ای، تأثیر کمتری دارند یا اینکه در میدان

مبارزات انتخاباتی اثرات خود را به حداقل می‌رسانند.

- **مبارزات انتخاباتی:** یافته مهم دیگر پژوهش این است که تعارض، ذاتی سیاست است. انتخابات نیز وجهی از تعارضات سیاسی در ایران است؛ بنابراین، بروز تعارض در آن ناگزیر است. از این نگاه، مبارزه منفی و رفتار تخریبی نیز بخشی از رقابت انتخاباتی است، اما برخی عوامل، این رفتارها را تشدید می‌کنند؛ عواملی مانند ضعف قانون، ضعف کارکرد حزبی احزاب، و عملکرد برخی نهادهای ناظر و مجری. براساس این نگرش، اساساً نمی‌توان انتخابات را بدون بروز تعارضات برگزار کرد، اما می‌توان با برطرف کردن ضعف‌ها، مبارزه منفی را کاهش داد.

- **نقش نهادها و ساختارها:** یافته مهم دیگر پژوهش، توجه به نقش رویه‌های نهادی-ساختاری در بروز مبارزه منفی و رفتارهای تخریبی در انتخابات است. در بخش مبانی نظری دیدیم که از نگاه پژوهشگران، نهادهای درگیر در انتخابات می‌توانند نقش حیاتی‌ای در برگزاری انتخابات سالم یا برعکس غیرسالم و سوگیرانه ایفا کنند. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده، مهم‌ترین نهادهای مؤثر در بروز رفتار منفی در انتخابات به ترتیب فراوانی تکرار، شورای نگهبان به دلیل نظارت استصوابی (۱۱ نفر)، وزارت کشور به سبب سوگیری سیاسی و جناحی (۶ نفر)، صداوسیما به سبب سوگیری جناحی (۵ نفر)، احزاب سیاسی به علت نداشتن عملکرد حزبی (۴ نفر)، و قوه قضائیه به دلیل برخوردهای تبعیض‌آمیز با تخلفات انتخاباتی (۳ نفر) بوده‌اند. نکته قابل توجه اینکه به‌رغم برخی اظهارنظرها درباره تأثیر زیاد نمازهای جمعه در بروز رفتار منفی انتخاباتی، این آیین کمترین فراوانی تکرار را در مصاحبه‌ها داشته است (یک نفر). شاید بتوان این‌گونه استنباط کرد که عملکرد نهادهایی که در فرایند انتخابات، صلاحیت و اختیارات بالایی برای آن‌ها تعریف شده است، بیشترین تأثیر را در زمینه‌سازی تخریب‌های انتخاباتی نیز داشته‌اند.

- **راهکارها:** راهکارهایی که مصاحبه‌شوندگان برای کاهش مبارزات منفی و تخریب در انتخابات پیشنهاد کرده‌اند، راهکارهایی عملیاتی و اجرایی هستند که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را در مقوله تقویت جمهوریت نظام خلاصه کرد که خود شامل این موارد است: بی‌طرف‌سازی نهادهای دخیل در انتخابات، اصلاح برخی رویه‌های تشدیدکننده مبارزه منفی مانند نظارت استصوابی، اصلاح قوانین نظام

انتخاباتی و حزبی، تقویت حس عدالت در برگزاری انتخابات، فرهنگ‌سازی عمومی و انتخاباتی، و تقویت سازوکارهای نظارت بر انتخابات.

### پیشنهادها

بخشی از پیشنهادهای اجرایی در قالب ارائه راهکارهای موردنظر مصاحبه‌شوندگان مطرح شدند. به نظر می‌رسد این پیشنهادها با توجه به ایرادهای بررسی‌شده می‌توانند به کاهش میزان مبارزات منفی و تخریب‌های انتخاباتی بینجامند.

اما در مورد پیشنهادهای پژوهشی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تکرار پژوهش از نگاه مسئولان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری (مسئولان قانون‌گذار، اجرایی، و نظارتی)؛

- انجام پژوهشی که همین موضوع را از نگاه فعالان سیاسی، به‌ویژه احزاب سیاسی و ستادهای تبلیغاتی نامزدها، بررسی کند؛

- مطالعه موردی برای سنجش مقایسه‌ای میزان تأثیرگذاری نهادها و فرایندها بر مبارزه منفی در انتخابات ریاست‌جمهوری؛

- مطالعات مقایسه‌ای میان انتخابات ریاست‌جمهوری ایران با سایر کشورهای منطقه یا کشورهای توسعه‌یافته؛

- مطالعه نقش عوامل زمینه‌ای مانند گسل‌ها و شکاف‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نیز ساختار اجتماعی مطالبات و متغیر فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی و همچنین، بازیگران منطقه‌ای و بین‌الملل در بروز پدیده تخریب که در پژوهش حاضر، نخبگان سیاسی کمتر به آن پرداخته‌اند.\*

## یادداشت‌ها

۱. اسامی، تخصص، وابستگی سازمانی، تاریخ، و محل انجام مصاحبه‌ها، و نیز متن کامل و بدون تغییر مصاحبه‌ها همراه با فایل صوتی آن‌ها نزد نویسندگان و نیز در دفتر مجله قابل دسترسی است.

۲. مثلاً براساس ماده (۷۱) قانون انتخابات ریاست جمهوری، «داوطلبان ریاست جمهوری و طرفداران آنان در تبلیغات انتخاباتی به هیچ‌وجه مجاز به هتک حرمت و حیثیت نامزدهای انتخاباتی نیستند و متخلفان طبق مقررات، مجازات خواهند شد».

## منابع

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشرف، احمد؛ کاتوزیان، محمدعلی؛ آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۲)، *جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اشکوری، سیدعبدالمجید (۱۳۸۵)، *از تخریب تا تقدیس*، تهران: پرتو ولایت.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۵)، *انتخابات، ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- جلال‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی ایران*، جامعه کثر مدرن، تهران: نشر علم.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۵)، *خلقیات ما ایرانیان*، تهران: انتشارات فروغی.
- دهقانی، حمید (۱۳۹۵)، *از کارزارهای انتخاباتی تا رفتارهای انتخاباتی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- رابرت گر، تد (۱۳۸۸)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی؛ نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶*، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۹)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی*، تهران: نشر نی.
- زارع، حمید (۱۳۹۱)، *بازاریابی مبارزات انتخاباتی*، تهران: انتشارات ترمه.
- زونیس، مازوین (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران*، ترجمه پرویز صالحی، زهرا لیادی، و سلیمان امین‌زاده، تهران: انتشارات چاپ‌بخش.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹)، *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: انتشارات فروزان.
- سیدمن، اروینگ (۱۳۹۵)، *مصاحبه به‌عنوان یک روش پژوهش کیفی*، ترجمه سیدعلی کوشازاده، علیرضا جابری، و سارا حسینی ارانی، تهران: نشر مه‌کامه.
- شلر، ماکس (۱۳۹۲)، *کین‌توزی*، ترجمه صالحی نجفی و جواد گنجی، تهران: نشر ثالث.
- شمیرانی، علیرضا (۱۳۷۸)، «رقابت و ثبات سیاسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، تهران:

- شماره چهارم، تابستان ۱۳۷۸.
- عبدی، عباس (۱۳۹۰)، «فقدان حاکمیت قانون»، در: *مسائل اجتماعی ایران*، انجمن جامعه‌شناسان ایران، تهران: نشر آگه.
- قانون انتخابات ریاست جمهوری.
- قهرمان پور، رحمان (۱۳۹۴)، *بازی انتخابات ریاست جمهوری*، تهران: انتشارات تیسرا.
- کاواناگ، دنیس (۱۳۷۹)، *مبارزات انتخاباتی: آموزه‌های نوین در بازاریابی سیاسی*، ترجمه رضا حائز، تهران: پنگان.
- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۵)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- گافمن، اروینگ (۱۳۹۲)، *داغ‌نگ، چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.
- لرنر، دانیل (۱۳۸۳)، *گذر از جامعه سنتی*، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لوبون، گوستاو (۱۳۶۹)، *روانشناسی توده‌ها*، ترجمه کیومرث خواجه‌سوی‌ها، تهران: نشر روشنگران.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۹۶)، *نامه به فقها و حقوق‌دانان محترم شورای نگهبان*، در دسترس در: <https://amontazeri.com/book-index/didgaha/993>
- مشفق، محمدعلی (۱۳۹۶)، *کندوکاوی آسیب‌شناسانه در نظام انتخابات*، تهران: انتشارات کویر.
- موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، «نظارت انتخاباتی (ماهیت نظارت شورای نگهبان)»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال سیزدهم، شماره دوم.
- نیاکوئی، امیر (۱۳۹۳)، «جامعه‌شناسی منازعات سیاسی ایران (انتخابات ۱۳۸۸)»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۳.
- نیومن، بروس. آی (۱۳۹۱)، *بازاریابی انبوه در سیاست، دموکراسی در عصر تصاویر ساختگی*، ترجمه: آرام اطاعتی و امید مهدیه، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نیومن، بروس. آی (۱۳۹۷)، *انقلاب بازاریابی (آموزه‌هایی در مورد بازاریابی مؤثر از کمپین‌های اخیر ریاست جمهوری آمریکا)*، ترجمه شهاب طلایی شگری و مهدی عبدالحمید، تهران: نشر بازاریابی.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۲)، «نظارت شورای نگهبان انضباطی است، نه استصوابی و نه استطلاعی»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، شماره ۳۱.

Annemarie S. Walter<sup>1</sup> (2013). Negative Campaigning in Estern Europe: Similar or Different, *Political Studies*, Vol. 62, 1\_suppl.

Annemarie S. walter<sup>1</sup>, Wouter Van Der Brug, Philip van Praag (2013), "When the Stakes are High: Party Competition and Negative Compaiging", *Comparative Political Studies*, Vol. 47.

Borghini, Andrea (2017), *What Is Verbal Violence?* Updated May 23, 2017.

<https://www.thoughtco.com/what-is-verbal-violence-2670715>. Accessed 12 November 2018.

Character Assassination Law and Legal Definition, Uslegal. <https://definitions.uslegal.com/c/character-assassination/>. Accessed: February, 15, 2018.

Christian Elmelund-Præstekær, Helle Mølgaard Svensson (2016), "Ebbs and Flows of Negative Campaigning: A Longitudinal Study of the Influence of Contextual Factors on Danish Campaign Rhetoric", *The International Journal of Press/Politics*, Vol. 21.

G. Geer, John (2006), *In Defense of Negativity, Attack Ads in Presidential Campaigns*, University of Chicago Press.

Kim Leslie Fridkin, Patrick J. Kenney (2004), "Do Negative Messages Work? The Impact of Negativity on Citizens' Evaluations of Candidates", *American Politics Research*, Vol. 32.

Koeing, Fredrick (1985), *Rumor in the Marketplace*, House Publishing Company.

Kyle, Mattes, P. Redlawsk, David, (2015), *The Positive Case for Negative Campaigning*, Chicago: University of Chicago Press.

Lie, *Oxford Dictionary*, Retrieved 8 April 2017.

M. Dowling, Conor and Krupnikov, Yanna, (2016), *The Effects of Negative Advertising. What Is a Negative Advertisement?* Accessed 22 December 2018, available at: <http://oxfordre.com/politics/view/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-51#acrefore-9780190228637-e-51-bibItem-0015>.

Martin dolezal1, Laurenz ennsler-jedenastik1 and Wolfgang C. muller1 (2016), "Negative Campaigning and the Logic of Retaliation in Multiparty Competition", *The international journal of press/Politics*, Vol. 21.

Min, young (2004), "News Coverage of Negative Political Campaigns: An Experiment of Negative Campaign Effects on Turnout and Candidate Preference", *Harvard international journal of press/Politics*, Vol. 9.

Richard R. Lau and Gerald M. Pomper (2001), "Negative Campaigning by US Senate Candidates", *Party Politics*, Vol. 7.

Rojas, Rafael; Blanco, Juan Antonio; de Aragon, Uva; Montaner, Carlos Alberto; Faya, And Julia; Lupi, Gordiano (2012), *Aim, Fire! Character Assassination in Cuba*, Miami: Original Books.

Timothy B. Krebs and David B. Holian (2007), "Competitive Positioning, deracialization, and Attack Speech", *American Politics Research*, Vol. 35.